



نقشه کشی مشارکتی راهی برای ورود جامعه محلی در مدیریت مناطق چهارگانه

16 فروردین 1395 - 11:00 کد خبر : 5661

زمانی که نقشه توسط جامعه محلی کشیده شود ضمن ایجاد درک مشترک نسبت به قلمرو می توان از آن ها در مدیریت این مناطق نیز سود جست. GIS مشارکتی تلفیق دانش بومی و نقطه نظرات ذینفعان در GIS است، اما این شیوه چگونه می تواند در طرح های مدیریت مناطق چهارگانه و یا مدیریت مشارکتی با همراهی جامعه محلی مورد استفاده قرار گیرد؟ موسسه سنستا چند سالی است که از این شیوه را به عنوان اولین گام در ورود خود به مناطق در پیش گرفته است. از این رو «دنیای سفر» در گفت و گو با «غنیمت اژدری» کارشناس GIS مشارکتی این موسسه از او درباره دلایل بهره گیری از این شیوه و دستاوردهای آن پرسید. اژدری درباره تفاوت GIS با نقشه کشی مشارکتی گفت: GIS علمی است که در دنیا در موارد مختلف کاربرد دارد و در آن اطلاعات را از لایه های مختلف روی هم قرار می دهد و آنها را تحلیل و ارزیابی می کند. تفاوتی که GIS مشارکتی با نقشه کشی و GIS در معنای عام آن دارد این است که در آن جامعه بومی و مردم نقشه را تولید می کنند. در این مدل شاید نتیجه کار به صورتی که مهندسان صورت می دهند نباشد اما می توانند قلمرو و یا محدوده جغرافیایی و مکانی که جامعه در آن زندگی کرده و به لحاظ معیشتی چه به لحاظ کشاورزی، دامداری، مرتع و ... با آن درگیر است را استخراج کنند. وی افزود: قلمرو محدوده ای است که جامعه از آن به عنوان زمین اجدادی یاد می کند؛ به عنوان مثال قشلاق و بیلاق قلمرو عشایر بوده و درباره ساحل نشینان نیز قلمرو به دو بخش خشکی و دریا که از آن جهت صیادی سنتی و سایر فعالیت های معیشتی بهره می گرفتند شامل می شود. وی با بیان اینکه تاکنون تجربه 47 نمونه GIS مشارکتی را با عشایر در موسسه سنستا در یک بازه زمانی چهار ساله داشته است، گفت: تجربه 40 ساله ما می گوید GIS مشارکتی اولین گام برای کار مشارکتی با مردم محلی است زیرا محدوده قلمرو را به عنوان یکی از اصلی ترین سرمایه های آن جامعه را مشخص می کند. درک جغرافیایی جامعه نسبت به قلمرو خود از دیگر مواردی بود که اژدری به آن اشاره کرد و افزود: تا زمانی که این درک جغرافیایی ایجاد نشود جامعه محلی نمی تواند نسبت به احقاق حقوق خود درباره زمین و مالکیت آن اقدام کند. وی درباره فرآیند GIS مشارکتی گفت: نقشه ابتدایی در آغاز کار تهیه می شود و در ادامه اقدام به دقیق تر شدن آن کار می کنیم که یک پروسه زمان بر خواهد بود. اژدری درباره مراحل کار پس از تدوین نقشه قلمرو و مدیریت آن توسط جامعه محلی تصریح کرد: زمانی که از قلمرو یا فرق بومی سخن می گوئیم از زمینی صحبت می کنیم که از اجداد آنها طی صدها سال به جامعه رسیده و به صورت مشاع بوده است. از این روست که ما درصدد هستیم با GIS مشارکتی و انطباق آن با نقشه های موجود در سازمان امور عشایری تغییراتی را با توجه به حقوق جامعه محلی در آنها به وجود آوریم. تاثیر نقشه کشی مشارکتی بر طرح های مدیریت چندگانه از دیگر موضوعاتی بود که این کارشناس موسسه سنستا به آن اشاره کرد و گفت: در طرح های مدیریت عموماً نقشه توسط کارفرما تهیه شده و جامعه محلی در آن دخیل نیست، از این رو نسبت به اجرای آن نیز پابندی نشان نمی دهد. این در حالی است که نقشه کشی پایه یک فعالیت بوده و ما پس از انجام آن باید فعالیت های حفاظتی خود را آغاز کنیم. زمانی که نقشه توسط جامعه محلی کشیده شود ضمن ایجاد درک مشترک نسبت به قلمرو می توان از آنها در مدیریت این مناطق نیز سود جست.

آگاهی از تفاوت دیدگاه های زنان و مردان نسبت به قلمرو از دیگر مزایایی نقشه کشی مشارکتی از نگاه اژدری بود که با بیان آن گفت: به عنوان مثال در تجربه نقشه کشی مشارکتی با ایل ابوالحسنی مشخص شد برای زنان اماکن مقدس و مکان های رویش گیاهان دارویی اهمیت ویژه ای دارد در حالی که مردان به واسطه درگیر بودن با مساله دام به مراتب و محل های چرا توجه بیشتری نشان می دادند. از این رو با درک مسائل با اهمیت از نگاه هر قشر می توان در مدیریت مشارکتی نیز از آنها بهره گرفت.

گفته های اژدری درباره نقشه کشی مشارکتی انگشت بر نقطه ای می گذارد که تاکنون از سوی سازمان های متولی نادیده گرفته شده است. مسئولان در حالی خواستار مشارکت مردم در اجرای طرح ها هستند که نقش آنها را در تدوین نادیده انگاشته اند و یا پس از تکمیل کار و در موارد نادر از آنها می خواهند تغییراتی را در این طرح ها به وجود آورند. از این روست که حضور کارشناسان دولتی و مردم در کنار هم و تدوین طرح هایی که تمام ذینفعان را در نظر گرفته شده باشد هم از اتلاف بودجه

جلوگیری کرده و هم طرح های مدیریت را از یک کار کتابخانه ای خارج خواهد کرد.